

تصاویری از ایران

سفر کلنل گلمباری به دربار محمدشاه قاجار

• الهام ملک‌زاده

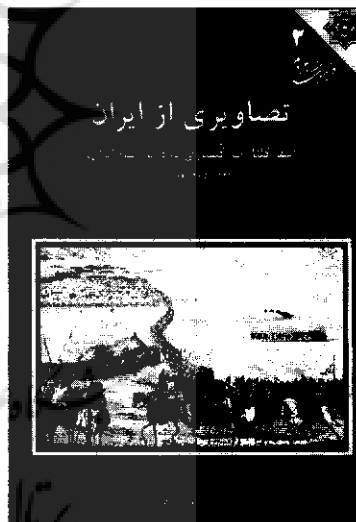
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

اول بار به طور تصادفی ناشر فرانسوی کتاب در پاریس، به مجموعه‌ای از کارهای فردی به نام گلمباری، برخورد که شامل دست‌نوشته‌ها، خاطرات زندگی، نقاشی‌های آبرنگ و طراحی‌های زیبای او بود. ناشر با بررسی این مجموعه، متوجه شد که گلمباری همان فردی است که مقاله‌هایی به امضای او، در زمان ناصرالدین شاه، در نشریات فرانسوی زبان آن دوره به چاپ رسیده است. مقالاتی که منابع اطلاعاتی با ارزشی در مورد اوضاع سیاسی، اجتماعی و نظامی تاریخ ایران دوره قاجار محسوب می‌شد. کلمباری در نوشته‌های دقیق خود، به میزان زیادی از نقاشی و طراحی برای ضبط وقایع تاریخی بهره برده است. چه بسا آن جا که نتوانسته یا نخواسته از قلم نوشتاری خود استفاده کند، با قلم تصویر مطالب را ثبت کرده است.

پس از چندی ناشر از یکی از محققان فرانسوی به نام لین تورنتن^۱ خواست تا با اسناد و مدارک دیگر؛ یادداشت‌های مذکور را مدون سازد.

بنابراین تورنتن که برخی از نوشته‌های کلمباری و یا دیگر سیاحان هم عصر وی را با واقعیات منطبق نمی‌دید، سعی کرد با تلفیق و تطبیق نوشته‌های مذکور، تصویری روشن از ایران به دست دهد. ماحصل آن، کتابی شد تحت همین عنوان که در این نوشتار معرفی می‌شود.

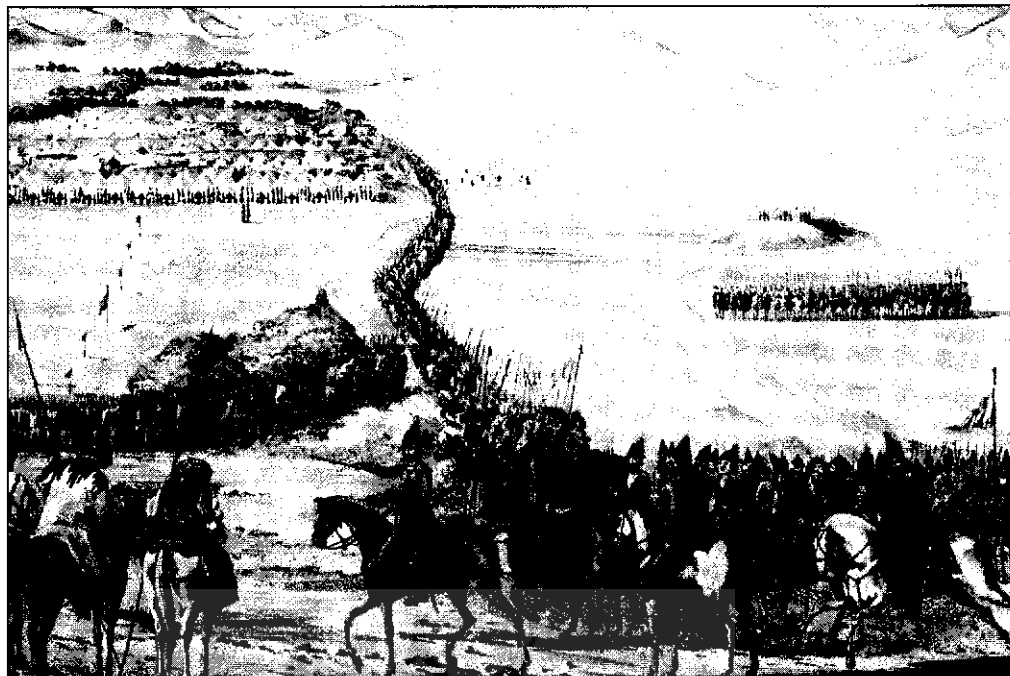
کلنل ف. کلمباری که در منابع، اثری از نام کوچک او دیده نشده است، از اهالی پیه مون^۲ ایتالیا بود که در ابتدا در اتریش خدمت می‌کرد. وی در کنار تخصص نظامی خود، از نقاشان زبده‌ای بود که در آثارش، از این هنر، بهره زیادی برد. وی به سال ۱۲۴۹ ق. / ۱۸۳۳ م.، یک سال پیش از مرگ فتحعلی شاه، راهی ایران شد و در تبریز اقامت کرد. روزهای ورود او با مرگ نایب‌السلطنه، عباس میرزا مصادف بود که خود در نوشته‌هایش می‌نویسد:



کلمباری در نوشته‌های دقیق خود، به میزان زیادی از نقاشی و طراحی برای ضبط وقایع تاریخی بهره برده است

- تصاویری از ایران (سفر کلنل ف. گلمباری به دربار شاه ایران ۱۲۴۹ تا ۱۲۶۵ هجری قمری)
- نویسنده: لین تورنتن
- مترجم: مینا نوایی
- با مقدمه: علی بلوک‌باشی
- ناشر: تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴.

تصاویری از ایران، عنوان کتابی است از سلسله انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ذیل مجموعه پژوهش مردم‌شناسی (فرهنگ و مردم). کتاب در حقیقت شرح سفر مهندسی ایتالیایی به دربار محمدشاه قاجار است.



◀ بازدید قهرمان میرزا
در دشت لیجان از
قشون ایران، سفرنامه
کلمباری

«بالاترین و والاترین مرورید سلسله‌ی قاجار... با شنیدن خبر فوت عباس میرزا مراسم سوگواری و آیین تشییع جنازه برگزار شد. من شاهد اندوه عمیق و بی‌نهایت نه تنها دربار، بلکه تمامی مردم بود که در از دست دادن چنان شاهزاده‌ی عادل و سخاوتمندی علی‌رغم یک جنگ مداوم و طولانی که ناگزیر از تحمل آن شده بودند، تأسف می‌خوردند.»^۲

در این زمان، قهرمان میرزا پسر هشتم عباس میرزا، حکومت آذربایجان را داشت.^۳ از آن‌جا که رشته کلمباری مهندسی نظام و نقشه‌برداری بود، قهرمان میرزا پس از مدتی، او را به عنوان مربی آموزش سپاهیان خود و نظم و ترتیب دادن به اوضاع ارتش، به کار گمارد. مهارت و شایستگی کلمباری، موجب شد تا در مدت کوتاهی به مشاور قهرمان میرزا مبدل شود، و چون در جنگ‌ها هم با شاهزاده همراه می‌شد، چه بسا که از نظرات خود را هم به او منتقل می‌ساخت. از آن‌جا که فردی رؤوف و مهربان بود، از شائبه‌های سیاسی^۴ به دور بود و در اندک زمانی، در دل بزرگان قاجار راه یافت. بدان حد که در دربار قاجار هم کارهای مهمی به او محول شد، که در جای خود به آن اشاره می‌شود. حسن رفتار کلمباری که موجب مقبولیت او نزد مخدومانش شده بود، باعث قبول راهنمایی‌های دلسوزانه‌اش در فرصت‌های مناسب می‌شد. به عنوان نمونه در ماجرای نبرد قهرمان میرزا با کردان منطقه روان دوز به سال ۱۲۵۲ ق. / ۱۸۳۶ م.، او که از همراهان قهرمان میرزا به‌شمار می‌رفت، شاهزاده را از اسیر کردن زنان و اطفال بازداشت و متقاعد نمود که آنها را آزاد سازد.^۵

یک سال پس از آن، طی فرمانی برای او حقوق و مواجب مقرر گشت و مهارت وی در مهندسی نظامی و نقاشی چنین ستوده شد: «مهندس فرنگی در فن نقاشی و مهندسی کمال مهارت و استادی دارد. استادی است کامل و نقاشی است قابل، مصنوعات او که به نظر

مهر اثر اشراف والا رسید مستحسن و مقبول نظر مبارک گشته.»^۶ بدین ترتیب، چهار سال خدمت درخشان او به همراه توصیه‌های قهرمان میرزا نزد محمدشاه، موجب راه‌یابی کلمباری به دربار قاجار شد. کلمباری که در زمان ولیعهدی محمدشاه او را ملاقات کرده بود، پس از ورود به تهران، طی فرمانی به درجه سرهنگ مهندسی زرادخانه منصوب شد و مقرر گردید زیر نظر حاج میرزا آقاسی صدراعظم به کار بپردازد.^۷ کلمباری که حاج میرزا آقاسی را «معجونی از جسارت و ظرافت، دو خصلتی که به ندرت در یک نفر جمع می‌شود»^۸ می‌دانست، به امر وی، مأمور اصلاحات و بازسازی در بخش زنبورک‌ها شد. صدراعظم که در واقع مؤسس قورخانه تهران بود، به واسطه آن که بزرگ‌ترین دل‌مشغولی‌اش ایجاد زرادخانه بود، از کلمباری خواست تا آتشبار مهم‌آن روزگار یعنی توپ‌های سبکی که شترهای یک‌کوهانه‌آن را حمل می‌کردند و زنبورک نامیده می‌شد، را اصلاح و تکمیل نماید. کلمباری هم که نقاش بود، از این زنبورک‌ها و زنبورک‌چیان، تصاویر زیادی کشیده که در آن‌ها، ابداعات و اصلاحات خود، به خصوص تغییراتی که در قنداق توپ، موجب شده را به خوبی به تصویر کشیده است.^۹ هم‌چنین در سیستم توپ‌ها نیز تغییراتی وارد کرد بر اساس این تغییرات، زمان پر کردن و تیراندازی توپ‌ها که تا آن زمان بیش از سه دقیقه طول می‌کشید، به زمانی کمتر و ساده‌تر تبدیل شد، ضمن آن که دقت و سرعت تیراندازی را نیز افزون تر ساخت.^{۱۰}

تلاش‌های مختلف کلمباری در امور نظامی، موجب توجه و تحسین زیاد شاه و صدراعظمش نسبت به او شد. بدین جهت در سال ۱۲۶۰ ق. / ۱۸۴۴ م. به دریافت برجسته‌ترین مدال ایران، یعنی نشان شیر و خورشید و حمایل سفید مفتخر شد.^{۱۱} به‌جز اصلاحات انجام شده در ساختمان زنبورک و تهیه عرادۀ

کلمباری پس از ورود به
تهران، طی فرمانی از سوی
محمدشاه به درجه‌ی
سرهنگ مهندسی
زرادخانه منصوب شد و
مقرر گردید زیر نظر حاج
میرزا آقاسی صدراعظم به
کار بپردازد

آن، خدمات دیگری نیز توسط وی در طول دوره اقامتش در ایران صورت پذیرفت که در نوشته‌ها و نقاشی‌های خود به آن‌ها اشاره کرده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ایجاد موانع نظامی در محمره (خرمشهر) جهت دفاع در برابر تهدیدات حاکم بصره، طرح جلوگیری از نفوذ روسیه در دریای مازندران و انگلیس در خلیج فارس، اثبات حق حاکمیت ایران بر بحرین،^{۲۴} تهیه طرح حفر چاه‌های آرتزین و روش استفاده از معادن.

چنان که قبلاً هم اشاره شد، کلمباری در نقاشی مهارتی تمام داشت، و در آثار خود، جنبه‌ی انسانی شخصیت خود را به بیننده منتقل می‌ساخت. مجموعه کارهای او در مورد ایران شامل صحنه‌هایی از زندگی مردم ایران، اماکن طبیعی و تاریخی این سرزمین، تصاویر و پیکره شاه و صدراعظم، بزرگان سیاسی و نظامی ایران، صحنه‌های نبردی که خود در آن‌ها حضور داشته است، که آن‌ها را به سبک‌های متعدد، یا به شیوه نقاشان عصر قاجار و یا به متد نقاشان اروپایی ترسیم کرده است.

در سال ۱۹۷۲ م. نمایشگاهی از نقاشی‌های او تحت عنوان روابط سیاسی و فرهنگی ایران و فرانسه در قرن هفدهم و نوزدهم، در موزه سرنوچی^{۲۵} پاریس برگزار شد و از او به نام مهندسی ایتالیایی الاصل که جزو ایران‌شناسان نقاش قرن نوزدهم بود، تجلیل به عمل آمد.^{۲۶} کلمباری در زمان اقامتش در ایران با بزرگان نقاش و جهانگردی معاشر بود که بعدها هنگام سکونت در پاریس، مرادوات خود را با آنها حفظ کرد. بعدها نقاشان و ایران‌شناسان دیگری از فرانسه و انگلیس که ایران قرن نوزدهم را در نور دیده بودند، به جمع آنها اضافه شدند. کسانی چون پرنس الکسیس سوتیکف^{۲۷} روسی، ژول لورن^{۲۸} نقاش فرانسوی، اوژن فلاندن^{۲۹} و سررابرت گرپورت^{۳۰} نقاش انگلیسی.^{۳۱} کلمباری در ایران به یاری میرزا ابراهیم، شاعر درباری نسخه‌ای از کتاب خاطرات سنت هلن را که توسط ادوارد دوسرسی به محمدشاه هدیه شده بود، از فرانسه به فارسی برگرداند.^{۳۲} این کتاب اصول نظام نام گرفت و شامل مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های جنگی در مورد اصول تاکتیک جنگی ناپلئون بود.

کلمباری سلسله مقالاتی نیز در مورد تاریخ مردم و سرزمین ایران، اوضاع قشون و اسلحه‌های متداول نظامی عصر محمدشاه، به علاوه خاطراتی از زمان سکونتش در ایران، در نشریات فرانسوی مهم آن روزگار یعنی شاهد نظامی^{۳۳} و تصویر^{۳۴}، به چاپ رساند که با نقاشی و طرح‌هایی از ایران همراه بود.^{۳۵}

در سال ۱۲۶۴ ق. / ۱۸۴۸ م.، کلمباری که دوست صمیمی خود در ایران یعنی دکتر لئون لایبا^{۳۶}، پزشک مخصوص محمدشاه را در ۱۲۶۱ ق. / ۱۸۴۵ م. از دست داده بود، بر آن شد تا با بیوه زیبا و هنرمند او، یعنی لور^{۳۸} ازدواج کند. بنابراین از دولت ایران درخواست هشت ماه مرخصی نمود تا به پاریس که بیوه طبیب سابق درباری در آن شهر اقامت داشت برود و با او پیمان زناشویی ببندد. براساس یادداشت‌های

وی اجازه خروجش توسط صدراعظم چنین صادر شد:

«حاج میرزا آقاسی هیچ فرصتی را برای تکمیل زرادخانه‌اش از دست نمی‌داد. به همین دلیل برای استفاده از فنون و پیشرفت‌های جدید در فرانسه، از من تقاضا کرد که در بازگشت، چند کارگر ماهر برایش از پاریس بیاورم.»^{۳۹}

اما در این اوان که اجازه سفر صادر شده بود، مرگ ناگهانی محمدشاه موجب هرج و مرج در کشور شد. این آشفتگی تا رسیدن ولیعهد (ناصرالدین شاه) به تهران ادامه یافت. تلاش‌های حاج میرزا آقاسی، برای فروخواباندن این شورش‌ها هم راه به جایی نبرد. در نتیجه صدراعظم جهت نجات جان خود به حضرت عبدالعظیم پناهنده شد و در آن جابست نشست.^{۴۰}

در این شرایط کلمباری ترجیح داد با توجه به سابقه آشنایی که با شاه جدید داشت، برای استقبال از او به قزوین برود.

سرانجام در ۱۲۶۵ ق. / ۱۸۴۸ م. با درخواست مجدد از صدراعظم جدید یعنی میرزا تقی‌خان امیرکبیر که کلمباری نظر مساعدی هم نسبت به او نداشت، توانست اجازه خروج از ایران را اخذ نماید و همراه عده‌ای اندک به سمت قسطنطنیه حرکت کند. سفری که با مخاطرات زیادی همراه بود. پس از این، در جایی گزارش نشده که کلمباری پس از ازدواج با لور در شهر پاریس، به چه کاری پرداخته و آیا بار دیگر به ایران بازگشته است یا خیر؟ البته براساس نامه‌هایی که در این فاصله ملک قاسم میرزا، پسر فتحعلی شاه به لور نوشته معلوم می‌شود که این زوج در جمع دوستان هنرمندان در پاریس به شادی روزگار می‌گذرانیده‌اند.

در آخرین مقاله‌ای هم که از او به تاریخ ۱۲۷۲ ق. / ۱۸۵۵ م.، در مجله تصویر در فرانسه به چاپ رسیده، او را مری نظامی سابق قشون ایران که «هنوز هم به آن دولت وابسته است»، معرفی کرده است.^{۴۱} در بخش آخر کتاب فهرستی از یک صد و بیست و دو اثر از مجموعه نقاشی‌ها و طرح‌های کلمباری با شرح کامل آن آثار ارائه شده است. از این آثار تعداد ۳۲ نقاشی و طرح و یک فرمان در متن کتاب کنونی استفاده شده است.

در پایان، جهت آشنایی با افکار این افسر ایتالیایی ارتش ایران، به بخش‌هایی از یادداشت‌های او در مورد رجال ایران اشاره می‌کنیم.

محمدشاه: شاه لبخند دلپذیری بر لب و حالتی بسیار متشخص داشت و رفتارش بسیار مؤدبانه بود. ریش سیاهش که طبق رسم نظامی آن زمان بسیار کوتاه اصلاح شده بود، سفیدی چهره‌اش را بیش از پیش جلوه می‌داد.^{۴۲}

وی به تاریخ، نقاشی و سروده‌های رزمی، بسیار علاقه‌مند بود. او در دورانی پا به عرصه حیات نهاد که ناپلئون بناپارت در اوج اقتدار و پیروزی بود. به همین جهت محمدشاه علاقه مخصوصی به این امپراتور داشت و کلیه اعمال و رفتارهای او را به معیارهای شرقی خود تعبیر و تفسیر می‌کرد.^{۴۳}

تلاش‌های بسیار کلمباری
در امور نظامی، موجب
توجه و تحسین زیاد
محمدشاه و صدراعظم
نسبت به او شد، بنابراین به
دریافت برجسته‌ترین
مدال ایران، یعنی نشان
شیر و خورشید و حمایل
سفید مفتخر شد

هم زمان با کلمباری در ایران بوده است. آن دو با هم روابط دوستانه‌ای داشتند. سبک نقاشی آنها نیز بسیار به هم شبیه بوده است. سولتیکف یادداشت‌های سفر خود را تحت عنوان مسافرت به ایران به چاپ رساند، در حالی که از ذکر سابقه دوستی خود با کلمباری سخنی نگفته است. تصاویری از ایران - ص ۶۶.

۱۸. Jules Laurens، از نقاشان فرانسوی که او نیز در آخرین سال اقامت کلمباری، همراه با آگزاویه هرمدوهل (Hommarie de Hell) به ایران آمد. کلمباری با وی بیش از بقیه فرانسویان، دوستی و رفت و آمد داشت. همان کتاب صص ۶۶-۶۷.

۱۹. EngÈne flandin، از فرانسویانی که در طول اقامت خود در ایران مجموعه‌ای از سرزمین و مردم و اماکن تاریخی و باستانی ایران را به تصویر کشید و سفرنامه‌ای از زمان حضور خود در ایران به رشته تحریر درآورد.

۲۰. Sir Robert ker Porter، نقاش انگلیسی که در زمان فتحعلی‌شاه به ایران آمد، و مدتی به محمد میرزا (ولیعهد) تعلیم نقاشی داد. وی یادداشت‌های سفر خود را در دو جلد در لندن به چاپ رساند، که حاوی نقاشی‌ها و نقاشی‌هایی از سرزمین و مردم ایران است. (تصاویری از ایران، ص ۳۹)

۲۱. همان، ص ۸۷.

۲۲. فلاندن، اوژن، سفرنامه‌ی اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نورصادقی، چاپ سوم، انتشارات اشراقی، ۱۳۵۶، ص ۱۴۰.

23. Le Spectateur Militaire

24. L'Jeustration

۲۵. تصاویری از ایران، ص ۱۴.

26. Docteur L'AonLabat

۲۷. پیشین، ص ۶۹.

28. Laure

۲۹. پیشین، ص ۸۵.

۳۰. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷، ص ۱۶۹۲.

۳۱. تصاویری از ایران، ص ۹۰.

۳۲. همان، ص ۵۳.

۳۳. همان، ص ۵۴.

۳۴. همان، ص ۵۵.

۳۵. همان جا.

36. Deux Mondes

37. Charivari

۳۸. همان، صص ۵۹-۵۸.

۳۹. همان، ص ۸۶.

۴۰. همان جا.

حاج میرزا آقاسی: مردی مصمم و با اراده، ظاهری بسیار لاغرو نحیف داشت. در اثر کهولت سن کمی خمیده شده بود. صورتش پرچین و چروک بود و ریشی بسیار تنک داشت. یک جفت چشم بسیار نافذ و هوشمند، حالتی زنده و فعال به چهره‌اش می‌داد.^{۲۴}

همسر محمدشاه (مهدعلیا): مادر ولیعهد، شاهزاده خانمی با استعداد و تربیت شده بود. به همین دلیل نیز رفتار پسرش سرشار از ظرافت و هوشمندی بود.^{۲۵}

ملک قاسم میرزا: شاهزاده‌ای که از هوشی سرشار و اطلاعات عمومی وسیعی برخوردار بود. او علاوه بر زبان مادری، شش زبان دیگر می‌دانست. دو جهان^{۲۶} و هیاهو^{۲۷} را که از پارسی‌ترین نشریه‌های آن دوره بودند، مرتباً می‌خواند.^{۲۸}

ناصرالدین شاه: وی فرانسه را روان صحبت می‌کرد و به آداب و رسوم و آزادی‌های رایج در کشور فرانسه تمایل و رغبت فراوان نشان می‌داد.^{۲۹}

میرزا تقی خان امیرکبیر: مطمئنم که سخت‌گیری و خودبینی او خیلی زود، او را انگشت‌نما خواهد کرد. این پیش‌بینی به وقوع پیوست. به همین دلیل بی‌درنگ خواستار اجرای فرمان مرخصی خود و خروج از ایران شدم. قصد داشتم تا مدتی که او در مقام صدارت است، از ایران دور بمانم.^{۳۰}

پی‌نوشت‌ها:

1. Colombari

2. Lynne Thornton

3. Piemonte

۴. تورنتن، لین، تصاویری از ایران (سفر کننل ف. کلمباری به دربار شاه ایران)، مینانوایی، تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۳۳.

۵. سلطان احمد میرزا عضدالدوله، تاریخ عضدی، توضیحات و اضافات عبدالحسین نوایی، تهران: نشر علم، ۱۳۷۶، ص ۳۲۱.

۶. تصاویری از ایران، ص ۳۵.

۷. همان، همان جا.

۸. همان، ص ۳۸.

۹. همان، ص ۴۲.

۱۰. همان جا.

۱۱. همان، ص ۴۹، تصاویر شماره ۷ و ۸ کتاب.

۱۲. همان، ص ۴۸.

۱۳. همان، ص ۵۰.

۱۴. پیه مونتسه، آنجلو میکله، «افسران ایتالیایی در خدمت ایران در عهد قاجار» مجله تحقیقات تاریخی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۶۸، ص ۴۲۰.

15. MusÆ cernuschi

۱۶. صوتی، محمدعلی، «کلمباری نقاش فراموش شده» فصل‌نامه هنر، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۶۰ و بهار ۱۳۶۱، ص ۳۷۵.

۱۷. Alexis Soltykoff، در سال‌های اولیه سلطنت محمدشاه، یعنی

ایجاد موانع نظامی در
خرمشهر جهت دفاع در
برابر تهدیدات حاکم
بصره، طرح جلوگیری از
نفوذ روسیه در دریای
مازندران و انگلیس در
خلیج فارس، اثبات حق
حاکمیت ایران بر بحرین،
تهیه طرح حفز چاه‌های
آرتزین و روش استفاده از
معادن، از جمله خدمات
کلمباری در طول اقامتش
در ایران بود